

فحش و ناسزا در برخورد اندیشه ها !



پیوسته به گذشته فصل دوم بخش سیزدهم

می گویند پیرزنی از همسرش پرسید ، اگر من از زیبایی خودم تعریف کنم آیا باز هم به من می گوئی از خود راضی ؟ شوهرش در جواب گفت ؛ نه عزیزم ! دروغگوها از خود راضی فرق میکند . شبی یکی از شبکه های تلویزیونی ای که از کابل پخش میگردید می دیدم ناگهان کسانی نظرم را جلب کرد که به عنوان نمائنده گان دوجریان سابق فکری از آنها دعوت بعمل آمده بود و قصد داشتند در راستای وظائف خطیری که بر عهده شبه روشنفکران و فعالان اصلاح طلب افتاده است عوام الناس را با ضربه های مشت و لگد و دشنام های از جنس کوچه و بازار هدایت کنند .

<http://www.dailymotion.com/video/edit/x6e8s4q>

نه میخواهیم در این جا و اکنون درشرائطی که طشت رسوائی بسیاری از رهبران و نامدارترین چهره های شبه جهادی و "سیا" سی به دلیل فقدان گفتمان پویای اجتهادی و عقلانی از اندیشه های شان بزمین افتاده است راجع به صحت و سقم استدلالات این آقایون که راجع به واژه مقدس صلح و چانه بازی برای رسیدن به آن با هم مشت و گریبان شدند قضاوت کنیم .



زیرا ما اکیداً باور داریم و از همان آغاز نیز ایمان داشتیم که مرورید ظریف و شکننده ء صلح در جامه ء خونینی از رنج ها پېچانیده شده و از خیابان ایمان و عدالت عمومی عبور داده میشود که در رهگذر صلح احترام به حیثیت و مقام و حقوق انسان با هر عقیده و مرام و مسلکی محفوظ و قابل دفاع است . بذل توجه به جایگاه خداداد انسان توام با احترام به حیثیت وی در تاریخ بشر خود مستلزم این است که قالب های منجمد و متعصبانه و غیر معقول با منطق بُران عقلانیت و آگاهی با اعتقاد به ترویج نقد سالم و حقیقی ترویج گردد این چنین است که در حاکمیت مافیای حاکم بر کابل آزادی تفکرو نظریات فلسفی ، آزادی علمی ، آزادی فرهنگی اعم از آزادی هنری و سیاسی برای تحقق عدالت واقعی اجتماعی وجود ندارد .



برای یافتن ریشه اصلی این وضعیت که شبه روشنفکران ما در عصر حاضر باید به سرچشمه های نخستین و علل و اسباب جریانات اولیه نامدار ترین حرکت های سیاسی و فکری اشاره کرد که چرا در عصر حاضر بزرگترین دشمن انسانهای آزاده فهم بر عدالت و مساوات است . اخیر چرا روح های که از سرچشمه های ذلال ایمان سیراب می شدند و از پول پرستی و ثروت اندوزی نفرت داشتند چگونه عاشق این جادوی زرد ، که دنیایی سیاه را می سازد و دل را به تباهی می کشد و انسان را به پلیدی ! من بارها گفته ام و نوشته که تمدن یک انقلاب تکاملی در انسان نه یک کالا یا مجموعه ای از کالایا مجموعه ای از کالاهای صادراتی یک شکل و رنگ خاص نیست بلکه یک حقیقت متعالی است که حاکمان امروزی می خواهند این جوهر را در قالب برق و موتر و لباس و خوراک از کشورهای دوست نما وارد کنند و در کشور خود سفره رنگین تمدن را برپا کنند ، یکی از عوامل اصلی این وضعیت تارو تاریک فرهنگی و سیاسی در همان آغاز نخستین نطفه گذاریهای واحد های جامعه مدنی که در قالب احزاب و سازمانهای سیاسی بصورت خود رو با روحیه تحمل پذیری مخالفین اندیشه ها ظهور نموده بودند نهفته است .



باید صمیمانه اعتراف کرد که اکثریتی از احزاب چپ و راست در جامعه افغانی بویژه نهاد ها و سازمانهای که بر مبنای تفکر مذهبی به منصفه ظهور رسیده بودند حامل گفتمان متحجرانه و فاقد پتانسیل پویای عقلانی هم آهنگ با نیازهای انسان روبه تکامل در جامعه بشری محسوب می شدند . هرچند گروه های چپ اندیش در جامعه افغانی علم و خرد را نقشه راه پیشرفت و تکامل اجتماعی بویژه در حوزه اقتصادی تلقی می نمودند در عمل رویی دیگر سکه همکاران شان بودند که شعار تحقق کامل مذهب و معنویت را سر میدادند. به همین دلیل در عصر حاضر اگر هر قدر زور میزنند نه تأثیری میگذارند و نه به جایی مطلوبی میرسند

